

محمودیان و نامحمودیان!

با نزدیک شدن به موسم انتخابات ریاست جمهوری ایران بخش بزرگی از فضای سیاسی و انتخاباتی ایران بر محور وحشت از آمدن احمدی نژاد یا بهجت از آمدن احمدی نژاد و بُردن یا باختن ایشان در انتخابات 96 ، بسآمد شده.

تواتری که از منتهی الیه عاشقان احمدی نژاد تا متنفران از احمدی نژاد را هم زمان و توأمان، علمداری و میدان داری می کند.

تواتری که طی آن می توان تلاشی عبث در مسیر متقاعد کردن و چرائی لزوم رای دادن به محمود یا چیستی و چرائی احتراز از محمود را در هر دو سوی این بسآمد جدلی الطرفین ملاحظه کرد.

این کمال بی حزمی است که جامعه سیاسی ایران از ناحیه ابتلا و آغشتگی غلیظ خود به آفت شیطان زدگی (اندراج تمایز از تفاوت) انرژی خود را صرف اثبات بی کفایتی یا با کفایتی احمدی نژاد کند. (*)

رای به احمدی نژاد یا عدم رای به احمدی نژاد در جامعه بیمار ایران امری است علی حده! نه جبهه متنفران از احمدی نژاد ارزشی می توانند نفرت خود از ایشان را به طرف مقابل انتقال دهند و نه جبهه شیدائیان وی توان متقاعد کردن جبهه مقابل در اثبات شایستگی محمود را دارند. این دو قطبی بکفایت متصلب و غیر قابل انعطاف است. برای یک طرف تحت هر شرایطی محمود نماد و شاخص شناعة و کراهت و نفرت و عدم صلاحیت است هم چنان که در طرف مقابل نیز محمود تحت هر شرایطی تبلور همه شانیت ها و اصلحیت ها و شجاعت ها و درایت ها و توانمندی ها است.

با هیچ اکسیر و استدلال و احتجاج و معجونی نه می توان متنفران از محمود را متقاعد به صلاحیت ولو نیم درصدی ایشان کرد هم چنان که با هیچ اکسیر و استدلال و احتجاج و معجونی نمی توان عاشقان محمود را مُجاب به بی صلاحیتی ولو نیم درصدی ایشان کرد. دو طرف تصمیم خود را تحت هر شرایطی گرفته اند و تحت هر شرایطی محمود ژانوسی از همه خوبی ها است هم چنان که هم زمان حامل همه کثیفی ها است.

محمود مزبور در دو گانه مذکور اساساً وجود خارجی ندارد و صرفاً نماد و تبلوری ذهنی گرایانه در ناخودآگاه جامعه بیمار و روان

پیشی است که برای تشفی خاطر خود از «شیطان زدگی مبتلابه» نیاز به مدیومی دارد تا با توسل به آن بتواند خلجان روح بیمار و پریشان خود را از طریق نفرت درمانی از «محمودیان» و «نامحمودیان» به التیام برساند.

احمدی نژاد ناخواسته از طریق سونداژ و اکسیمتری «نفرت از او» یا «رغبت به او» به معیار و تیزآب و تورنسل تشخیص ناسلامتی و بیماری جامعه و ابتلاء ایشان به یک شیطان زدگی تاریخی، مبدل شده!

آن طرفی ها با نفی محمود از طریق انتساب محمود به همه زشتی ها و پلشتی ها می کوشند از این طریق خود را در عداد هویتی از همه زیبائی ها و صاحب صلاحیتی ها احصاء نمایند و این طرفی ها نیز با مدح محمود و انتساب محمود به همه آراستگی ها و وارستگی ها از این طریق می کوشند مخالفان محمود را در عداد هویتی از همه متفرعان و متبخران، تَهْتُک کنند.

و عنصر غائب در میانه نزاع مزبور عقلانیت و شعوری است که در عمقی از هیجان زدگی و احساسات تحریک و تهییج شده، مستوره و مفقوده مانده و می ماند و در این میان احمدی نژاد سوم محمودی است که واقعیت دارد و در صورت حضور در انتخابات اتفاقاً فوق العاده در مدیریت چنین فضائی تبحر و توانمندی دارد و بکفایت می تواند وحشتی واقعی را نزد متنفران از خود بابت موفقیت محتمل در انتخابات مزبور را به ایشان تحمیل کند.

حضور که در صورت تحقق از بطن آن می توان شورانگیزترین و جذاب ترین انتخابات کُمیک - تراژیک را چشم انتظاری کرد.

کمیک به اعتبار برون ریخت بازیگوشی های کودکانه مشتی مبتلابه به آفت شیطانیزم و تراژیک بابت وسعت و کثرت و عمق بیشینه چنین کسالتی ملی و عمومی!

داریوش سجادی جمعه 11 تیر 1395